



The Co-Presence of Ritual and Drama in the “Tir-ma-size sho” Ceremony in Mazandaran based on Genette’s Transtextual Approach

Hamoon Mahdavi¹, Mohammad Ali Khabari^{*2}

Received: 16/07/2022

Accepted: 07/02/2023

1. Research background

In his master's thesis under the title "Analysis of Laal Performance in Mazandaran", Mousavi (2012) examines the ritual of Laal from Eliade's point of view, dealing with a kind of manifestation of holiness in this ritual. In the article, "Tir-mah Siza shu" and the myth of "Tishtar" by Ismailpour Motlagh, the main hypothesis was based on the principle that this festival does not have a root connection with the myth of Arash, but its origin is the mythological aspect of Tishtar, the star and the god of rain.

Sattari (2008) has tried to show the connection of this ritual with myths such as the myth of shooting Arash, Afrasiab, Sepandārmazgān, etc., which are somehow connected with water and green plants. Maafi Madani's (2011) research in the section "Natural elements and other objects" refers to signs such as water in Mazandaran legends.

The present article, however, focuses on the dramatic aspects, employing the functional approach and Dumézil's theory of trifunctional, which studies mythology based on the structure of three actions, i.e. the management of religious affairs, bravery, and

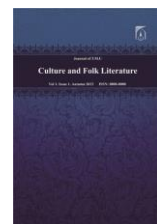
* Corresponding Author's E-mail:
khabari@qiu.ir

1. PhD Candidate of Art Research, Central Tehran University, Tehran, Iran.

<https://orcid.org/0000-0001-5058-3302>

2. Assistant Professor, Faculty of Art Jahad University, Tehran, Iran.

<https://orcid.org/0000-0002-4043-0000>



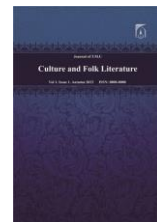
abundance. It is mostly in pursuit of reaching the mythological foundations of the religion from Dumézil's point of view.

2. Results and discussion

In Dumézil's opinion, the first act is as a "Sovereignty", the second act is equal to "Military", and the third act is "Productivity", which is more important to Dumézil and it is an action that covers many domains. The common elements and partial connection that these actions have with each other has caused the link between them. Literary and artistic works, as well as rulings and politics that are assigned to human society are studied with this theory. However, any society that thinks about its past can be analyzed with this approach, and the more these societies have preserved their originality, the more they will be interested in these studies. The crossing of the day of July with the month is the first understanding of what this celebration is all about.

The "Trifunctional" by Dumézil in the "Tir-mah Size sho" ritual are:

- "Sovereignty"**: Arash's incarnation as a plant deity, the rising star of Tishtar (god of rain), the server of midday heat and summer months.
- "Military"**: the conflict between good and evil, Arash's self-help in expelling Afrasiab from Iran, showing the fight against the demon of drought. It is also a manifestation of the battle with the demon, the enemy of the vegetable gods and plants. Arash is the legend of the fight against drought and Afrasiab is the manifestation of the drought demon.
- "Productivity"**: "Laal Sheesh" can be seen as the continuation of Arash's life in the form of a plant symbol that brings existence, birth and life to people. Afrasiab is the embodiment of the demon of dryness and waterlessness, and Arash in the form of a plant symbol, existence, regeneration and life.



3. Conclusion

Intertextuality in "Tir-mah-size sho" ritual can be justified from the point of view of intertextual relations with the co-presence of dramatic-ritual texts, in line with hypertextual relations under the influence of this ritual from past mythology. Most of the relationships revolve around the central personality of "Lal Sheesh" and the dramatic practices of this ritual by him and his companions. The implicit intertextuality is related to asking for sustenance, rain, and fertility. Based on the intertextual relationships, and the mythological background of the "Tir-mah-size sho" ritual, the mythology of Tishtar and Arash can be assumed as a pre-text for the performance of this ritual.

References

- Sattari, R. (2008). The connection of "Tir-ma-size Sho" festival with some ancient myths. *Scientific Studies Quarterly*, 2, 161-172.
- Mousavi, S. (2011). *Analysis of Laal ritual performance in Mazandaran*. Master Thesis of Art University, Isfahan University, Faculty of Arts and Religions.
- Maafi Madani, S. (2011). *A semiotic analysis of Mazandaran legends*. Master's Thesis in Persian Literature. Payam Noor University.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

سال ۱۰، شماره ۴۸، بهمن و اسفند ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

DOR: 20.1001.1.23454466.1401.10.48.4.7

هم‌حضور آیین و نمایش در مراسم تیرماسیزه شو در مازندران با رویکرد ترامتنتیت ژنت

هامون مهدوی^۱، محمدعلی خبری^{۲*}

(دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۵ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸)

چکیده

متفکران نظریه بینامتنیت ناظر بر معنای جدیدی از متن بودند که هیچ متنی بدون پیش‌متن نیست، این‌که متن نظامی بسته، مستقل و خودبسنده نیست و هر متن خاطره‌ای از متون دیگر است. در این پژوهش به بررسی آیین و نمایش در مراسم «تیرماسیزه شو» در مازندران و عوامل زمینه‌ساز آن پرداخته و با در نظر گرفتن این آیین همانند یک متن، با استفاده از ترامتنتیت ژنت به بررسی شیوه‌های تأثیر این آیین از متون پیشین (بیش‌متنیت) و هم‌حضور متون مختلف در اجرای این آیین (بینامتنیت) پرداخته می‌شود. هدف از این پژوهش، مطالعه چگونگی ارتباط میان آیین و نمایش است و در صدد پاسخ به این پرسش است که: هم‌حضور آیین و نمایش در مراسم تیرماسیزه شو از جنبه ترامتنتیت چگونه است؟ مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی و با رویکرد ترامتنتیت ژنت انجام شده و شیوه جمع‌آوری اطلاعات

۱. دانشجوی دکتری پژوهش هنر دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

<https://orcid.org/0000-0001-50583302>

۲. استادیار پژوهش هنر، دانشکده هنر جهاد دانشگاهی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

* khabari@qiu.ir

<https://orcid.org/0000-0002-4043-0000>

کتابخانه‌ای است. بر این فرضیه تأکید می‌شود که در مناسبات ترامتنی «مراسم تیرماسیزه شو»، هم‌حضور نظام‌های مختلفی مانند نظام نمایشی و آیینی با پیش‌متن برگرفته از بن‌مایه‌های اساطیری است. کنش «سه کارکردی» یا «کنش سه‌گانه» مبنی بر حکمرانی، سلحشوری و باروری در این آیین قابل‌بررسی است. نبرد عملی خیر و شر نمایشی از مبارزه تیشتر با دیو خشک‌سالی است. همچنین جلوه‌ای از نبرد با دیو، دشمن خدایان نباتی و گیاهان است. «لال» را می‌توان ادامه زندگی آرش در قالب نمادی گیاهی دانست که هستی، زاد و ولد و حیات را برای مردم به ارمغان می‌آورد.

واژه‌های کلیدی: بینامتنیت، تیرماسیزه شو، سه کنش دومزیل، اسطوره.

۱. مقدمه

در این پژوهش عناصر نمایشی مراسم «تیرماسیزه شو»^۱ در هم‌حضور با بن‌مایه‌های اساطیری آیین‌های مازندران، بر مبنای نظریه ترامتنیت ژنت مورد بررسی قرار گرفته است. محققان با مطالعه و هدف سنجش ماهیت نمایش و آیین‌های بومی ایرانی بر آن شدند تا بخشی از اسرار و رموز مربوط به آن را در برخی از سنن و آداب و رسوم مردم در آیین‌های مازندران جست‌وجو کنند و مورد تجزیه تحلیل قرار دهند. از این جهت برای تحدید مسئله، آیین سنتی و کهن مازندران به نام «جشن تیرماه سیزده شو» انتخاب شده است. مسئله پیش‌رو در این پژوهش عبارت است از: هم‌حضور کارکرد آیینی و نمایشی مراسم «تیرماه سیزده شو» با رویکرد ترامتنیت ژنت چگونه قابل‌تحلیل است؟

در این راستا ملزم به شناخت چگونگی اجرای نمایشی این مراسم و توجه و جنبه‌های آیینی آن از منظر اسطوره‌سنجی بوده است. پرداختن به اسطوره در این پژوهش به این دلیل اهمیت دارد که دانش اسطوره‌شناسی به‌مثابه یکی از حوزه‌های

هم حضوری آیین و نمایش در مراسم تیرماسیزه شو در مازندران... _____ هامون مهدوی و همکار

معرفتی است که متون مختلف در کانون مطالعات آن قرار می‌گیرد و متناسب با دیدگاه‌ها و مبانی فکری خود، از زوایای مختلف به متون ادبی و هنری می‌نگرد و در این سیاق، از رهیافت‌ها و رویکردهای پژوهشی گوناگون در تحلیل متون بهره می‌گیرد؛ لذا در مورد آیین «تیرماه سیزده شو» روش کنش‌های کارکردی دومی نیز رهیافت و روش پژوهشی دیگری در چارچوب دانش اسطوره‌ای است. ماهیت این روش مطالعاتی برای سنجش کارکرد چندگانه آیین تیرماسیزه شو از منظر نمایشی و ماهیت اسطوره‌ای آیین‌های بومی در فرهنگ عامه مازندران است. لذا با توجه به جنبه‌های کارکردی آیین تیرماسیزه شو که طبق مراحل کنش‌گرایانه و با پشتوانه اساطیری اجرا می‌شود به عنوان مطالعه موردی این مقاله انتخاب شد.

۲. پیشینه تحقیق

موسوی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان تحلیل نمایش لال در مازندران به تحلیل و بررسی آیین لال و از منظر الیاده به نوعی تجلی قداست در این آیین پرداخته است. در مقاله «تیرماسیزه شو و اسطوره تیشتر» (اسماعیل‌پور مطلق، ۱۳۸۱) فرضیه اصلی بر این اصل استوار است که این جشن پیوندی ریشه‌ای با اسطوره آرش ندارد، بلکه خاستگاه آن جنبه اسطوره‌ای تیشتر، ستاره و ایزد باران است. ستاری (۱۳۸۷)، در مقاله «ارتباط جشن تیرماه سیزه شو با برخی اسطوره‌های کهن» سعی کرده است ارتباط این آیین را با اسطوره‌هایی مانند اسطوره تیراندازی آرش، افراسیاب، سپندارمذگان و... که به نوعی با آب و گیاهان سبز پیوند خورده‌اند، نشان دهد. معافی مدنی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی نشانه‌ای افسانه‌های مازندران» در بخش «عناصر طبیعی و اشیاء دیگر» به نشانه‌هایی مانند آب در افسانه‌های مازندران اشاره دارد.

لودویگ ویتگنشتاین^۲ و همکاران (2020) در کتاب *اساطیر در زبان ما: سخنانی درمورد شاخه زرین فریزر سخنان معروف خود درمورد «شاخه زرین» فریزر را نوشت که پس از مرگش در سال ۱۹۶۷ منتشر شد. در آن زمان، انسان‌شناسی و فلسفه با هم ارتباط نزدیکی داشتند و متفکران قاره‌ای به شدت از اصطلاحات نظری انسان‌شناسی استفاده می‌کردند. اظهارات ویتگنشتاین درمورد آیین، جادو، مذهب، اعتقاد، مراسم و پیش‌فرض‌های منطقی خود فریزر در حال حاضر به همان اندازه روشن و قابل تأمل است که در زمان ویتگنشتاین بود.*

فریزر (2012) متخصص اسطوره و دین در کتاب *شاخه زرین* در سال ۱۸۹۰ درباره فرقه‌ها، آیین‌ها و اسطوره‌های دوران باستان در شاخه زرین، کاوشی بی‌نظیر از این آداب و رسوم و تشابهات آن‌ها با مسیحیت اولیه ارائه می‌کند. تعاریف فریزر از پیشگامان انسان‌شناسی اجتماعی، و اصطلاحاتی مانند «جادو»، «مذهب» و «علم» برای جانشینان او در این زمینه بسیار مفید بود، و تبیین او از افسانه‌های باستانی عمیقاً بر نسل‌های روان‌شناسان، نویسندگان برجسته تأثیر گذاشت.

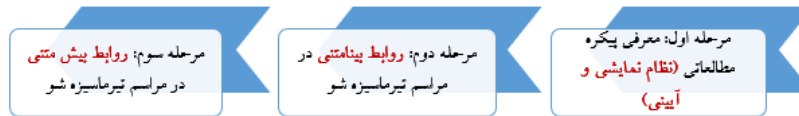
چیسویدین و همکاران (۲۰۱۸) در کتاب *اسطوره، موسیقی و آیین: رویکردهایی به ادبیات تطبیقی* در دو بخش به اسطوره و برخی از بازتاب‌های معاصر آن (قسمت اول) و ارتباط بین اسطوره، موسیقی و آیین (بخش دوم) متمرکز شده‌اند. پانزده مقاله گردآوری شده در اینجا توسط دانشگاهیان و محققانی از برزیل، فرانسه، لهستان، مکزیک، آفریقای جنوبی و رومانی نوشته شده است. آن‌ها بر موضوعات مختلفی از جمله فولکلور، ادبیات، موسیقی کلاسیک و سنتی، علمی - تخیلی، فلسفه و دین و سایر موضوعات تمرکز دارند.

هم حضوری آیین و نمایش در مراسم تیرماسیزه شو در مازندران... _____ هامون مهدوی و همکار

در مقالاتی که اسماعیل زاده و ستاری در مورد آیین تیرماسیزه شو نوشته‌اند ارتباط این آیین با اساطیر را از منظر خاستگاه آن بررسی کرده‌اند و در پایان‌نامه موسوی که در پیشینه ذکر شد از منظر الیاده به قداست آیین پرداخته شده است. اما مقاله حاضر تمرکز بر جنبه‌های کارکردگرایانه و نمایشی دارد و با نظریه سه کنش دومزیل - که اساطیر را براساس ساختار کنش‌های سه‌گانه یعنی اداره امور دینی، سلحشوری و فراوانی و باروری مورد مطالعه قرار می‌دهد - تحلیل شده است و بیشتر در پی دست یافتن به بن‌مایه‌های اساطیری آیین از دیدگاه دومزیل است.

۳. روش پژوهش

روش تحلیل این مقاله مبتنی بر ترامتنیت و مقایسه‌ای و کیفی است. وقتی رابطه بین دو متن مبتنی بر هم‌حضور باشد، طبق آرای ژنت، این یک رابطه بینامتنی است. بنابراین، «بینامتنیت زمانی شکل می‌گیرد که متن دارای یک عنصر یا عناصر واحد باشد. وجود یک عنصر از یک متن در متن دیگر، وجود چند عنصر از یک متن در متن دیگر یا وجود عناصر متعدد از چندین متن در متن دیگر و یک متن خاص، از این منظر سه نوع اصلی بینامتنیت تلقی می‌شوند» (نامور مطلق، ۱۳۹۲، صص. ۵۸-۵۹). در روابط فرامتنی نیز مانند بینامتنیت، رابطه دو متن ادبی و هنری بررسی می‌شود، اما این رابطه در بینامتنیت مبتنی بر هم‌حضور است، اما در فرامتنی (بیش‌متنیت)، این رابطه مبتنی بر هم‌پوشانی است.



نمودار ۱: مراحل تحلیل ترامنتی مراسم تیرماسیزه شو
analysis of 'Tir-ma-size show' Diagram 1: The stages of Transtextuality ceremony

۴. چارچوب نظری

بینامتنیت یکی از یافته‌های قرن بیستم است که دیدگاه جدیدی در رابطه بین عناصر در متون ارائه می‌دهد و به روابط بینامتنی می‌پردازد. در واقع در طول تاریخ، متون در یک رابطه زنجیره‌ای خلق می‌شدند و همواره متون جدید براساس متون قدیمی شکل می‌گرفتند (آذر، ۱۳۹۵، ص. ۱۳). مهم‌ترین وجه گفته (متن)، یا دست‌کم نادیده انگاشته‌ترین وجه آن، مکالمه‌گرایی آن، یعنی بُعد بینامتنی آن است (آلن، ۱۳۹۲، ص. ۴۷). متن همچنین تحول متن‌ها (بینامتنیت) است. در فضای یک متن گفته‌های فراوانی برگرفته از متن‌های دیگر با یکدیگر تلاقی می‌یابند و همدیگر را خنثی می‌کنند (Kristeva, 1969, p. 52).

فردینان دو سوسور معتقد است بینامتنی ابتدا از نشانه‌شناسی سوسور سرچشمه می‌گیرد: «وقتی مردم صحبت می‌کنند یا می‌نویسند، وارد روابط ارجاعی می‌شوند و روابط بین اشیا و کلمات که از طریق آن اشیا را نام می‌بریم، یک رابطه قراردادی است» (Saussure, 1974, p. 35). بنا به بحث بارت، ایده متن، و از این رو بینامتنیت، وابسته به انگاره‌های شبکه، بافت، و منسوجی (متنی) درهم‌تنیده از تاروپود «از پیش‌نوشته‌ها و از پیش‌خواننده‌ها» است. بنابراین، هر متنی معنای خود را از رابطه‌اش با دیگر متون دارد. نقل قول‌هایی که متن را شکل می‌دهند، علی‌رغم این‌که پیش‌تر خوانده شده‌اند،

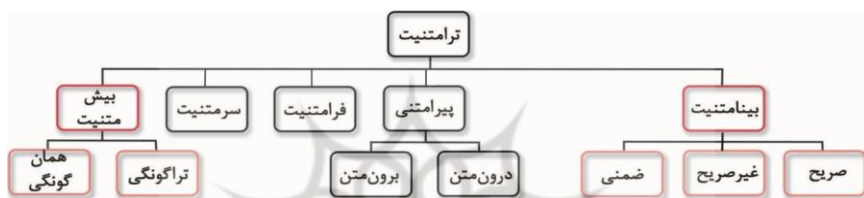
هم حضوری آیین و نمایش در مراسم تیرماسیزه شو در مازندران... _____ هامون مهدوی و همکار

ناشناخته و جدایی‌ناپذیرند و به همین دلیل نقل‌قول‌هایی بدون گیومه هستند (Barthes, 1984, p.76).

همچنین به گفته باختین، گفتار بینشی خاصی از جهان را به نمایش می‌گذارد. این بینش خاص با دیدگاه دیگر متفاوت است و بین این دو گفت‌وگو وجود دارد. از سوی دیگر، کلمات ظرف ظهور بینش‌ها هستند. به گفته باختین، کلمات همیشه ردپای کاربردهای قبلی را با خود به همراه دارند (تودورف، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۲). او معتقد است: «زبان دائماً منعکس‌کننده منافع طبقاتی، ملی و گروهی است و هیچ کلمه‌ای بی‌طرف نیست» (Bakhtin & Volosinov, 1986, pp. 60-61).

معنای اصلی «بینامتنیت» «درهم‌تیدن» یا «درهم‌تنیدگی» است و در این زمینه صرفاً به یافتن شکل هر مفهومی از اجزای متنی متعدد اشاره دارد. در این موقعیت‌های بینامتنی، اگر چنین وضعیتی به درستی تثبیت شود، نیازی به مراجعه به منبع خاصی نیست و به گفته «بارت» با «نقل قول بدون گیومه» مواجه هستیم (Barthes, 1977, p. 160). کریستوا متن را با دو جزء می‌شناسد: ۱. فراوری، ۲. و جایگشت متون و تقاطع حاشیه‌های مختلف. پس از باختین، ژولیا کریستوا به تحقیقات خود ادامه داد و اصطلاح بینامتنیت را برای آن برگزید (نامورمطلق، ۱۳۸۶، ص. ۱۱). کریستوا معتقد است: «متون از طریق کنایه، نقل قول، تقلید سبکی، جنبه‌های رسمی، استفاده از ژانر مشترک، تجدید نظر، رد و انواع روش‌های دیگر با سایر متون ارتباط برقرار می‌کند (Kristeva, 1973, p. 36). ژرار ژنت در مورد رابطه بین متون در مدل نظری ترامتنیت صحبت کرد. او در کتاب *الواح بازنوشتی اصطلاح ترامتنی* را جهت بررسی روابط بین متون پیشنهاد می‌کند و معتقد است که ترامتنی هر چیزی است که آشکار یا پنهان یک متن را با متون دیگر پیوند می‌دهد (Genette, 1982, p. 7). از نظر ژنت، بیش‌متنیت بودن کلی‌تر از بینامتنیت است و شامل پنج اصطلاح اصلی است: ۱. بینامتنیت، ۲. پیرامتنیت، ۳. فرامتنیت، ۴.

سرمتنیت، ۵. بیش متنیت. ژنت ثابت کرد که این روابط بسیار عمیق‌تر از انواع بینامتنیت است و در تمام لایه‌های متن جاری است (نادری، ۱۳۹۷، ص. ۱۷۲). در این میان، روابط بینامتنی و بیش‌متنی به رابطه بین دو متن هنری می‌پردازند و انواع دیگر ترامتنیت بر رابطه میان یک متن و شبه‌متن‌های مرتبط با آن تمرکز می‌کنند (نامور مطلق، ۱۳۹۵، ص. ۸۳). الگوی ترامتنیت ژنت در قالب نمودار زیر قابل توضیح است.



نمودار ۲: نمودار الگوی ترامتنیت ژنت در پژوهش حاضر

Diagram 2: Genette's transtextuality pattern diagram in the current research

۵. جشن تیرگان

جشن آبریزگان در تیر و روز تیرگان برگزار می‌شد. اما در زمانی نامعلوم به دلیل اختلافاتی که مبنی بر عدم اجرای کیبسه تیرگان، مراسم آن در نوروز برگزار می‌شد. ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه دو دلیل برای جشن تیرگان ذکر کرده است: تیراندازی آرش به نشانه مرز ایران و توران و دیگری دهقنه (بنای جهان و کشاورزی) برای مبارزه با خشک‌سالی و درخواست باران (بیرونی، ۱۳۶۳، ص. ۳۳۵). امروزه، منشأ این جشن در اسطوره آرش و باران‌خواهی، هم‌زمان با درخشش ستاره «تیشتر» بیان می‌شود. این جشن با مراسمی برای آب و طلب

هم حضوری آیین و نمایش در مراسم تیرماسیزه شو در مازندران... _____ هامون مهدوی و همکار

باران در سال آینده همراه بود (رضی، ۱۳۸۲، ص. ۳۹۸). چنانچه بیان شد براساس جهان‌بینی مزدایی تیر، خدای نگهبان باران و فرشته رزق و روزی است که از وجود او، زمین پاک و مزارع از باران‌های موسمی سیراب می‌شود و این بیانگر توجه و جایگاه «آب» در میان ایرانیان است. ایرانیان همیشه با احترام به آب توجه داشته‌اند. هنوز هم همه جا «آبادانی» در ارتباط با آب بوده و آب مایه زندگی است (رجبی، ۱۳۷۵، ص. ۹۹). این جشن که در بیست باب ملامظفر، «نوروز طیری» نیز خوانده شده است، نیاکان ما در روز تیر (روز سیزدهم) از ماه تیر جشن می‌گرفتند و مازندرانی‌ها هم در شب سیزدهم تیرماه ولی نه در تیرماه کنونی ما بلکه در تیرماه خودشان جشن می‌گیرند (کیا، ۱۳۶۵، ص. ۶۰). امام علی (ع) سبب برکت شهرها و سرزمین‌هایی چون گیلان و مازندران در باور عامه است. در سمبول آیین‌های زراعی نوروز نیز عنصر برکت و برکت‌خواهی و توجه به اصل زایش و باروری دیده می‌شود. نقش سرو، استفاده از پرچم سبز و... در مهر خرمن نشانه‌های قابل توجه در این زمینه است (میرشکرایی، ۱۳۷۸، ص. ۱۱۳).

۱-۵. کنش‌های نمایشی تیرماسیزه شو

۱-۱-۵. مبارزه با خشک‌سالی و باران‌خواهی

کنش تثاتری، برخورد نیروها در نمایشنامه است؛ یعنی درگیری دائمی بین شخصیت‌ها. در این برخورد یا درگیری محتوای احساسی پنهانی وجود دارد که بیننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد، زیرا درک کنش، قفل نمایش را باز می‌کند. بنابراین هسته سخت همه نمایشنامه‌ها کنش و شخصیت‌هاست، شخصیت‌ها ابزاری هستند که روی کنش تأثیر می‌گذارند یا تحت تأثیر قرار می‌گیرند و مجبور به انجام عمل خود می‌شوند (هاج، ۱۳۹۲، ص. ۸۰). هسته اصلی نمایشنامه کنش دراماتیک و شخصیت‌های نمایش است.

کنش دراماتیک برخوردار نیروها در درون نمایشنامه و درگیری دائمی بین شخصیت‌های نمایشنامه است. محتوای عاطفی که تماشاگر را تکان می‌دهد در این تعارض نهفته است، شخصیت‌های نمایش یا بر کنش بازیگری تأثیر می‌گذارند، یا تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند و در نتیجه مجبور می‌شوند برای خود رویدادی خلق کنند (دامود، ۱۳۹۲، ص. ۴۵). امروزه برخی از محققان بر این باورند که منشأ این جشن درواقع حرکتی آیینی از اسطوره تیشتر (ستاره و خدای باران) و نبرد او با اپوش (دیو) خشک‌سالی است و درواقع هیچ ارتباطی ریشه‌ای با اسطوره آرش ندارد. این‌که ایرانیان آیین‌های مرتبط با تیشتر (خدای آب و باران را با یادبود آرش کمانگیر که در تیرماه به دلیل شباهت آرش و تیر با اشاره به پیکان آرش کمانگیر در تیرماه برگزار شده بود) مرتبط می‌دانند، غیرمعمول نیست و هردو را جشن تیرگان یا جشن تیر یا تیرگان نامیده‌اند (فراهانی، ۱۳۸۹، ص. ۷۷). با تحلیل شباهت‌های این دو داستان می‌توان به هستی‌شناسی مشترک میان آن‌ها پی برد و متوجه شد که داستان آرش و نبرد او درواقع ادامه و بازسازی اسطوره است. قدیم‌ترین منبعی که در این زمینه داریم /وستا است. در مازندران، آیین‌های اصلی مربوط به جشن ۲۲ تیر در دهه‌های اخیر عبارت‌اند از:

خواندن شعر: یکی از مراسم مهم در این جشن، قرائت اشعار شاعر عارف مازندرانی به نام امیر پازواری (امیری خوانی) و حافظ همراه با اجرای موسیقی است. امیری‌خوانی را معمولاً بزرگان روستا یا کسانی که صدای خوبی دارند اجرا می‌کنند. این اشعار به صورت تک‌نفره و هماهنگ اجرا می‌شوند.

فال گرفتن: علاوه بر فال اشعار حافظ، انواع دیگری از فال نیز در این شب صورت می‌گیرد که می‌توان آن را فال سوزنی و فال گردو نامید. در فال سنجاق، سنجاق سوزنی به دامن مرد، زن، نوجوان، جوان مورد نظر با نامزدها، بیشتر برای زنان و دختران

هم حضوری آیین و نمایش در مراسم تیرماسیزه شو در مازندران... _____ هامون مهدوی و همکار

خوش‌شانس به صورت دوخت پایین می‌آمد. سپس زن یا مردی از فامیل همسایه و آشنای نزدیک چند شعر را با آهنگ محلی با صدای آواز می‌خواند (مجیدزاده، ۱۳۸۵، ص. ۷۷). نوع دیگر تفأل رسم «گوش‌داری»، «گوش‌یاری»، «گوشاری» و یا «گوش‌کشی» (کیا، ۱۳۴۵، ص. ۲۴۹) یا همان فال‌گوش است. در آمل هنگام غروب آفتاب زنان چادر می‌پوشند و به عنوان فال‌گوش در چهارراه می‌ایستند و به‌ویژه به این عمل اعتقاد دارند. اگر حرف بدی از رهگذر بشنوند، آن را مکاشفه می‌دانند و بسیار متأسف می‌شوند (علامه، ۱۳۳۸، ص. ۱۱۰).

پاشیدن آب: ابوریحان بیرونی نیز در *آثارالباقیه* از پاشیدن آب در میان مردم آمل در روز عید تیرگان صحبت می‌کند (بیرونی، ۱۳۶۳، ص. ۳۳۶) و می‌گوید: غسل و نیت کنید تا برای ایفای این نقش از نظر روحی و روانی آماده باشید. همچنین مازندرانی‌ها در آغاز این شب شست‌وشو و حمام می‌کنند. در آخر آیین روی هم آب می‌پاشند و جشن می‌گیرند. گاهی لال را به رودخانه می‌اندازند.

هدیه دادن: یکی از سنت‌های قدیمی که هنوز هم رواج دارد، هدیه دادن خانواده‌ها به دختران و پسرانی است که هنوز نامزدند و به خانۀ خود نرفته‌اند و در واقع عروس یا داماد آینده‌شان است. در آمل یک شب مانده به شب تیرما سیزده، خانوادۀ داماد یک سری وسایل آماده می‌کنند و به رسم یادبود به خانۀ نامزد پسرشان می‌برند و برخی از این هدایا به تناسب وضع مالی و موقعیت خانواده شامل طلا، پارچه، لباس، کفش، میوه، شیرینی، حلوا، کله‌قند، ماهی دودی، سبزیجات و تنقلات است. در برخی مناطق خانوادۀ عروس هم هدایایی مثل کفش و لباس برای داماد خود می‌فرستند (نورفکن روحی، ۱۳۹۸).

خوردن سیزده نوع غذا: در این شب جشن را با تهیه سیزده تنقلات تکمیل کردند. در عین حال این باور که با خوردن سیزده نوع غذا سیزده بیماری و بلا را از همه خانواده دور می‌کنند نیز در این مناطق دیده می‌شود.

شال‌افکنی: از دیگر مراسم این شب، «شال‌اندازی» یا «شال‌افکنی» است که افراد ناشناس تکه پارچه‌ای را به چوب می‌بندند و برای گرفتن خوراکی به داخل خانه می‌اندازند. خانم منزل در دستمال، آجیل و شیرینی و میوه می‌بندد و به بیرون می‌اندازد (علامه، ۱۳۳۸، ص. ۱۱۰).

۲-۱-۵. موسیقی محلی

هارمونی سُرنا و دُهل از بعدازظهر روز جشن آغار می‌شود و تا نیمه شب ادامه دارد. در این شب نی‌ها به صدا در می‌آیند. بهترین نی را می‌توان در چنین شبی به دست آورد که به آن هفت‌بند می‌گویند و بخش مهمی از این جشن را به خود اختصاص می‌دهد.

۳-۱-۵. امیری خوانی، فال حافظ و شاهنامه‌خوانی

یکی از اتفاقاتی که در این شب حائز اهمیت است، فال حافظ، امیرخوانی و اجرای موسیقی است. امیری خوانی را معمولاً بزرگان روستا یا کسانی که صدای خوبی دارند اجرا می‌کنند. اشعاری از امیر پازواری را به صورت تک‌خواننده و همراه با نی و صدا در گوشه‌هایی از ردیف دشتی در دستگاه شور در دستگاه موسیقی ایرانی اجرا می‌کنند.

۲-۵. شخصیت‌های نمایش

شخصیت به معنای نقاب، نقشی است که بازیگران بازی می‌کنند. فرهنگ ادبی شخصیت را مردی خیالی یا زن خیالی می‌داند که در یک اثر نمایشی نقش‌آفرینی

هم حضوری آیین و نمایش در مراسم تیرماسیزه شو در مازندران... _____ هامون مهدوی و همکار

می‌کند. این لغزش معنایی بر ابهام در ماهیت شخصیت تأکید دارد. همچنین در جای دیگر گفته شده است که: «در ادبیات، شخصیت مانند افراد واقعی دارای ویژگی‌هایی است و با این ویژگی‌ها در داستان و درام ظاهر می‌شود، کردار و گفتار افراد در داستان باید به گونه‌ای باشد که با اخلاق و ویژگی‌های خاص آنان هماهنگ و مرتبط باشد» (داد، ۱۳۸۲، ص. ۳۰۱). اولین چیزی که در برخورد با افراد مختلف به چشم می‌خورد، ظاهر، قد، رنگ چشم، رنگ مو، پوست و همان بُعد شخصیت افراد است (حبیبی تبار، ۱۳۸۸، ص. ۳۰).

۵-۲-۱. شخصیت محوری (لال شیش^۳)

شخصیت محوری، شخصیتی است که شرایط موجود در داستان و بازی را تحمل نمی‌کند و برهم‌زننده پایداری وضع محیط است، بحران‌آفرینی و ایجاد درگیری می‌کند. خوب یا بد و درست یا نادرست بودن او تأثیری در محوری بودن یا نبودن او ندارد، اما عدم پذیرش شرایط کنونی و تلاش برای برهم زدن آن از او شخصیت محوری می‌سازد. شخصیت محوری «قهرمان» یا «پرتاگونیست» و قهرمان داستان «رهبر» یا اولین بازیگر است. اوست که با ایجاد کشمکش وقایع داستان را جلو می‌برد. هیچ داستانی بدون شخصیت محوری وجود نخواهد داشت (پیوستی، ۱۳۹۵، ص. ۲۲).

لال شو^۴ سه اجراکننده اصلی دارد: ۱. لال شیش، ۲. ترکه‌دار، ۳. کیسه‌دار که آیین را شروع می‌کنند و به آن جهت می‌دهند. پس از آماده شدن، تمام روستا را دور می‌زنند و خانه به خانه می‌روند و مردم را برای شرکت در مراسم دعوت می‌کنند. ساکنان خانه‌ها که از قبل برای این روز آماده شده‌اند، آن‌ها را در خانه‌های خود پذیرایی می‌کنند. درواقع اهالی روستا نیز با دعوت از مجریان به خانه‌هایشان دعوت خود را می‌پذیرند. این تعامل مخاطب و مجری یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این آیین است.

۲-۲-۵. شخصیت‌های فرعی (کیسه‌دار و ترکه‌دار)

شخصیت لال مظهر پیروزی خیر بر شر است، لال نماد خیر و برکت است. خودش مبارک و قابل احترام است. در قدیم مردی میان‌سال با نام و صفات خوب این نقش را برعهده داشت، این روزها یکی از جوانان این نقش را برعهده می‌گیرد. از این رو او را لال می‌گویند که در مراسم سکوت می‌کند و حرف نمی‌زند. این سکوت را نشانه خویشنداری و مقاومت در برابر هوا و امیال شیطانی می‌دانند.

۳-۲-۵. جنبه‌های گروتسک لال شیش

لال پس از حمام صورت خود را با زغال می‌پوشاند. سیاه شدن چهره او یادآور این است که لازم نیست بدانیم او چه کسی بوده است، بلکه مهم روحیه عمل و کردار نیک اوست. هر انسانی باید در حد توان خود در نبرد دائمی خیر و شر باشد تا بتواند راه را برای سرازیر شدن خیر و برکت به سرزمین و جانش باز کند. در منطقه سوادکوه افراد لال با تاب دادن و پیچاندن ساقه برنج (معمولاً سبز رنگ) ریسمان درست می‌کنند و دور سر، کمر، دور مچ و دور پاها می‌بندند. باز هم این نشانه و یادآور نعمت و سرسبزی است که از نبرد مردم با بدی‌ها و غلبه خیر بر زشتی‌ها حاصل می‌شود.

در فرهنگ لغت فشرده واژه‌های ادبی آکسفورد، گروتسک به صورت «شکل‌های عجیب، تحریف‌شده و بدشکل، تغییرات غیرعادی و عجیب در عملکرد بدن و صورت انسان» تعریف شده است (Baldick, 1992, p.108). فرهنگ راتلیج^۵ تأکید می‌کند که گروتسک معمولاً چهره انسان را به صورت اغراق‌آمیز و دستکاری شده نشان می‌دهد (Childs & Fowler, 2006, p.101). گروتسک پدیده دوگانه‌ای است؛ یعنی ساختاری که ترکیبی از افکار متضاد را دربر می‌گیرد. گروتسک در یک زمان هم مجذوب می‌کند و هم ترسناک است. خندان و ترساندن در همان زمان کار اوست (مکاریک، ۱۳۸۳،

هم حضوری آیین و نمایش در مراسم تیرماسیزه شو در مازندران... _____ هامون مهدوی و همکار

صص. ۲۲۴-۲۴۵). در فرهنگ نظریه و نقد ادبی، معادل گروتسک را «مضحکه عظیم» قرار داده‌اند. در این اثر ویژگی‌های گروتسک عبارت‌اند از: «عناصر خارق‌العاده، اغراق‌آمیز، حسی، ترسناک و جلوه‌های کمیک و طنز» (سبزیان و کزازی، ۱۳۸۷، ص. ۲۴۳).

از نظر باختین، کارناوال به معنای واقعی کلمه یک رویداد وحشتناک است، جایی که مردم عادی خود را رها می‌کنند تا به افراط و تفریط‌های وقیحانه و نشاط‌آور از نوع بدنی بپردازند (تامسن، ۱۳۹۱، ص. ۶۸).

باختین برای این‌که ما را به مقوله گروتسک علاقه‌مند کند، انرژی زیادی صرف درک گروتسک می‌کند و این کار را از یک سو با شناسایی کارناوال و جشن و اشکال مرتبط با آن مانند جشنواره‌ها، فرهنگ عامه، تصاویر دلچسب‌ها، دیوانه‌ها انجام می‌دهد. دیوانه‌ها و شیطان به‌عنوان اولین منابع مواجهه با گروتسک هستند و از سوی دیگر با بررسی نگرش گروتسک به‌عنوان ساختاری مثبت که می‌تواند تجربه‌ای رهایی‌بخش و دگرگون‌کننده را که او انجام خواهد داد، فراهم کند (آدامز و یس، ۲۰۱۰، ص. ۴۹).

بارزترین ویژگی گروتسک، عنصر ناهماهنگی است. این ناهماهنگی می‌تواند ناشی از تعارض، برخورد، اختلاط موارد غیرمشابه یا از ترکیب غیرمشابه‌ها باشد. همچنین گروتسک در ذات خود عجیب است، زیرا به طرز شگفت‌انگیزی از مرز طبیعی عبور می‌کند و در عین خنده‌دار بودن، وحشتناک است. آنچه قبلاً آشنا بود با گروتسک چند معنی و چند قسمتی می‌شود و این شکل جدید احساسات متناقضی مانند شادی و وحشت را برمی‌انگیزد که در آثار گروتسک نمود پیدا می‌کند (مشکات، ۱۳۹۲، ص. ۷۰).

از ویژگی‌های گروتسک که در شخصیت لال ظهور پیدا کرده این است که لال پس از حمام صورت خود را با زغال می‌پوشاند و در واقع تغییر مبالغه‌آمیز چهره لال انجام شده است. سیاه شدن صورتش یادآور این است که لازم نیست بدانیم چه کسی نقش لال را بر عهده گرفته است، بلکه مهم روحیه عمل و کردار نیک اوست. هر انسانی باید تا حد توان خود در نبرد دائمی خیر و شر باشد تا راه را برای سرازیر شدن خیر و برکت به سرزمینش باز کند و این با خصیصه ناهماهنگی در گروتسک قابل توضیح است. در منطقه سوادکوه، افراد لال با تاب دادن و پیچاندن ساقه‌های برنج (معمولاً سبزرنگ) ریسمان درست می‌کنند و به دور سر، کمر، دور میچ و دور ساق پا می‌بندند. باز هم این نشانه و یادآور نعمت و سرسبزی است که از نبرد مردم با بدی‌ها و چیرگی نیکی بر زشتی حاصل می‌شود. لال اساساً کلاه نمادی بر سر می‌گذارد و کت و شلوار ساده (اغلب پشمی) می‌پوشد. قبل از مراسم او و دو همراهش به جنگل می‌روند و معمولاً ترکه‌های بلند و مناسبی را از شاخه‌های درخت توت جدا می‌کنند. این ترکه‌های لال نیز برکت دارد و برای مردم فراوانی می‌آورد.

جدول ۱: روابط بینامتنی صریح و ضمنی در آیین تیرماسیزه شو

Table 1: Denotation and Connotation intertextuality in the 'Tir-ma-size show' ceremony

بینامتنیت صریح	بینامتنیت ضمنی
شخصیت صامت لال شیش	نعوش یعنی - برکت و باروری
آب پاشیدن- غسل کردن	ارتباط با باران آوری و باران خواهی
ضربه زدن با ترکه درخت	بارور کردن زنان ناز، باروری درختان بی بره، گشایش بخت دختر
سیاه کردن صورت لال- پوشش عینک - کلاه و نقاب	ویژگی‌های گروتسک- بازگشت از دنیای زیرین
کاربرد پوشش گیاهی لال	وجود عناصر مرتبط با ایزد گیاهی و باروری
شخصیت کیسه دار؛ هدیه دادن خوراکی های	طلب روزی - رونق کشاورزی و باروری
شخصیت ترکه دار؛ ترکه از درختان توت، انار و بید	نقش لال مار(مادر لال) و الهه باروری

(مأخذ: نگارندگان برگرفته از موسوی، ۱۳۹۱)

هم حضوری آیین و نمایش در مراسم تیرماسیزه شو در مازندران... هامون مهدوی و همکار

۶. روابط بیش‌متنی در آیین نمایشی تیرماسیزه شو

در «بیش‌متنیت» مانند «بینامتنیت» رابطه دو متن ادبی و هنری بررسی می‌شود، اما در روابط بیش‌متنی این رابطه براساس گزینش است. به عبارت دیگر در بیش‌متنیت تأثیر یک متن بر متن دیگر بررسی می‌شود نه وجود آن. بیش‌متن متنی است که از متن قبلی (پیش‌متن) طی یک فرایند تبدیلی گرفته شده است و به عبارت دیگر ابرمتن به معنای واقعی آن «متن درجه دو» است. یا زمانی که وجود اثری متأثر از اثر قبلی باشد، آن را فرامتنی می‌نامند (نامور مطلق، ۱۳۸۶، ص. ۹۵).

پیوند این آیین «تیرماه سبزه شو» را می‌توان با اسطوره‌هایی چون اسطوره تیراندازی آرش، افراسیاب، سپندارمذ و... نشان داد که به نوعی با آب و سرسبزی پیوند خورده‌اند. بیشتر جشن‌ها و آیین‌های پایان سال در اسطوره‌های باستانی ریشه دارد و اساساً جنبه عملی باورهای اساطیری مردمانی است که در سرزمین فرهنگی خود می‌زیسته‌اند. جشن تیرماسیزه شو که بازمانده جشن بزرگ و کهن تیرگان ایرانیان باستان است و امروزه نیز در نواحی شمالی ایران به‌ویژه مازندران برقرار است، یکی از این جشن‌هاست. نمایش به‌عنوان یک روش ارتباطی خاص، زندگی انسان را در ابعاد مختلف تحت تأثیر قرار داده است. تجربه نشان داده است که این هنر در اعصار مختلف ابزار مناسبی برای برقراری تعاملات فرهنگی و روابط فکری، ملموس‌ترین قالب برای طرح مباحث فلسفی و عقیدتی و از مهم‌ترین راه‌های تعمق در مسائل انسانی و کیهانی بوده است. یافته‌های باستان‌شناسی و اسناد تاریخی، تاریخ طولانی و کهن هنر نمایش را نشان می‌دهد و این‌که هنر نمایشی پیوند عمیقی با آیین‌ها دارد و در واقع در آن تنیده شده است. از سوی دیگر اسطوره با ادیان باستانی و باورهای دینی

پیوندی اساسی دارد. این امر باعث حضور فعال اسطوره‌ها در آیین‌ها بوده است (غفوری غروی، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۶).

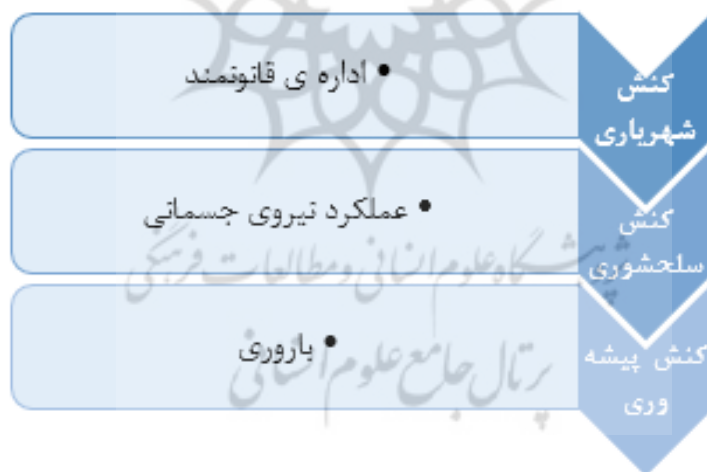
۱-۶. کنش‌های سه‌گانه دومی‌زیل در آیین نمایشی تیرماسیزه شو

دومی‌زیل خدایان هندی و ایرانی را به سه دسته تقسیم کرده است: خدایان حاکم، خدایان جنگجو و خدایان برکت و نعمت. او این سه عمل را به ترتیب زیر معرفی کرده است: فعل اول: اداره قانونمند و در عین حال مرموز جهان؛ عمل دوم: عملکرد قوای بدنی و اصولاً قدرتی که منحصرأ رزمی نیست؛ عمل سوم: باروری با نتایج و پیامدها و آثار گوناگون مانند فراوانی، رفاه، سلامت، طول عمر، آسایش، آرامش، رفاه و جمعیت (افزایش جمعیت) (گشتاسب و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۸۱). این سه کنش، تحولی جدی و اساسی در نحوه نگرش و بررسی اسطوره‌ها ایجاد کرد و دومی‌زیل را در ردیف برجسته‌ترین اسطوره پژوهان تاریخ قرار داد. با این روش مطالعات اساطیری از دوران فیلولوژیک خارج شد و وارد عصر جدیدی یعنی عصر کنش‌گرایی شد. توجه به کنش‌ها در اوایل قرن بیستم از سوی برخی از محققان به‌ویژه در حوزه انسان‌شناسی به‌خصوص توسط محققانی همچون برونیستاو مالینوفسکی^۶ نیز مطرح شده بود که در این خصوص حتی می‌توان گفت نظریه کنش‌گرایانه توسط این افراد مطرح شد و تأثیر زیادی بر عرصه مطالعات انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی بر جا گذارد، اما نظریه کنش‌های سه‌گانه دومی‌زیل دارای نوآوری و اصالت‌هایی است که در نوع خود حائز اهمیت است (نامورمطلق، ۱۵۹).

براساس این درک، زندگی در تمامی اشکال الهی و انسانی، اجتماعی و کیهانی و بی‌تردید جسمانی و روانی، با نقشی متنوع و هماهنگ از سه کارکرد اساسی هدایت می‌شود که می‌توان از آن به‌عنوان حکمرانی، قدرت و باروری یاد کرد (Dumézil, 1980, p. 65). همانطور که

هم حضوری آیین و نمایش در مراسم تیرماسیزه شو در مازندران..._____ هامون مهدوی و همکار

مشاهده می‌شود این سه عمل در اندیشه، زندگی و حتی تخیلات مردم هند و اروپایی وجود دارد و در واقع شالوده آن‌ها را تشکیل می‌دهد. این ساختار نگرش خاصی را به همراه دارد، زیرا نوع نگاه و رویکرد خاصی به هستی، جامعه و ذهن انسان ارائه می‌دهد (نامور مطلق، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۰). دومزیل در اثری در سال ۱۹۵۲ با عنوان *خدایان هند و اروپایی* این سه عمل را چنین معرفی می‌کند: «این اعمال عبارت‌اند از: ۱. مدیریت جهان در عین حال مرموز و منظم؛ ۲. اجرای قدرت بدنی و اصولاً قدرت که البته منحصرأ رزمی نیست؛ ۳. باروری با نتایج و پیامدها و آثار گوناگون مانند رفاه، سلامتی، طول عمر، آسایش، آرامش» (Dumezil, 1974, p. 3). این نوآوری یا کشف بزرگ، به‌گونه‌ای کاملاً مدلل در کتاب *اساطیر و خدایان ژرمن‌ها* مطرح شده است؛ یعنی نخستین کتابی که پس از کشف «چارچوب سه کنشی ایدئولوژی هندواروپایی» در ۱۹۳۸، به چاپ رسیده است (ستاری، ۱۳۸۰، ص. ۱۲۸).



نمودار ۳: کنش‌های سه‌گانهٔ دومزیلی

Diagram 3: Trifunctional of Georges Dumézil

۶-۱-۱. کنش شهریاری در جشن تیرگان یا تیرماسیزه شو

ارتباط این آیین با تیشتر ایزد باران در راستای کنش مرتبط با شهریاری است. بسیاری از آداب و رسوم رایج و باورهای عامیانه در ناخودآگاه جمعی توده‌های مردم وجود دارد. در میان این باورها، عقاید و آیین‌هایی درباره آیین نمایشی تیرگان یا تیرماسیزه شو در مازندران وجود دارد. این جشن ملی باستانی که امروزه تنها در شمال کشور برگزار می‌شود، آیین‌ها و مراسم خاصی را دنبال می‌کند که هر کدام از یک اسطوره اعتقادی خاص سرچشمه می‌گیرد. برخی تاریخ برگزاری این جشن را به دوره مادها می‌دانند و برای این ادعا به تلمود اورشلیم مراجعه می‌کنند (تقی‌زاده، ۱۳۴۱، ص. ۳۲).

اسماعیل‌پور عقیده دارد که جشن تیرگان براساس قدوسیت و نیایش خداوند - ستاره هندوایرانی تیشته ودایی / اوستایی تیشتریه است و ربطی به اسطوره آرش ندارد (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۱، ص. ۷۹). اما انتساب افسانه آرش به این جشن، با توجه به عمل آرش در بیرون راندن افراسیاب از ایران، نه تنها با جشن آب و پایان خشک‌سالی منافاتی ندارد، بلکه مؤید آن است. دشمنی افراسیاب با آب و آبادانی را بسیاری از متون کهن تأیید می‌کنند و نقش آرش در بیرون راندن او از ایران ما را به یاد اسطوره نبرد ستاره تیشتر و اپوش دیو خشک‌سالی می‌اندازد. «همانطور که در تیریش، ماجرای تیراندازی آرش «تمثیلی برای حرکت ستاره تیشتر قرار گرفته است» (ستاری، ۱۳۸۷، ص. ۱۹۵).

از دیگر دلایل برگزاری این جشن، طلوع ستاره تیشتر (خدای باران) است، وقوع خشک‌سالی و اهمیت فراوانی که آب (باران) در زندگی و کشاورزی مردم ایران داشته است نیاز به برگزاری این جشن را توجیه‌پذیر کرده است. «تیشتر نام ستاره‌ای است که ستاره‌شناسان باستانی آن را به‌عنوان شعرای یمانی می‌شناسند. طلوع این ستاره نیز نشانه باران بود» (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۱، ص. ۸۱). ستاره تیشتر در ایران باستان ستاره باران و

هم حضوری آیین و نمایش در مراسم تیرماسیزه شو در مازندران... _____ هامون مهدوی و همکار

دشمن خشک‌سالی و گرما بود که در تیرماه (ماه سرطان) که دمای هوا به بالاترین حد رسید و نوید تعدیل هوا و آمدن باران را می‌داد طلوع کرد (هویان، ۱۳۸۴، ص. ۱۳۷). از این رو، برپایی جشنواره تیرگان در فصل تابستان، هنگامی که کمبود باران و گرمای شدید یکی از ویژگی‌های طبیعی آن است، در واقع نوعی اجرای آیین ویژه درخواست باران است که به مناسبت تجلیل از تیشتر، ایزد باران برگزار می‌شد، بنابراین در برخی منابع باستانی این جشن «تیرماسیزه شو» نیز باید بازتاب‌دهنده اسطوره‌ها و نمونه‌های کهن باشد، پویایی و تداوم حیات این اسطوره‌ها در زندگی مردم منوط به زندگی عملی و انطباق با شرایط ملموس زندگی آن‌هاست (بهار، ۱۳۸۶، ص. ۳۹).

۶-۱-۲. کنش سلحشوری در جشن تیرگان یا تیرماسیزه شو

۶-۱-۲-۱. جدال عملی خیر و شر

مفاهیمی چون تعادل، تهاجم، جنگ، میل به قدرت، مرگ، زندگی و درنهایت پیروزی خیر بر شر مهم‌ترین زیرمضمون مشترک بین تضاد خیر و شر در حماسه‌ها و افسانه‌هاست. رمز نمادین در تمام داستان‌های با این پیش‌زمینه، «جدال خیر و شر» یا «تضاد دو بنی» است و رمز هرمنوتیکی در این حماسه‌ها به‌طور پنهانی با اسطوره‌های حاکم بر حماسه‌ها مرتبط است که در واقع مهم‌ترین موضوع رمزگان فرهنگی در قصه‌های فوق نیز هست. از دیدگاه رمزگان فرهنگی، این تحول متأثر از دو اسطوره بزرگ است: اسطوره خدای خیر و شر و اسطوره قربانی کردن اولین آفریده (مسکوب، ۱۳۷۵، صص. ۲۰-۲۳). در اساطیر مانوی، زندگی جهان شامل این سه دوره تعادل، آمیختگی و پیوستن به نور است (همان، ص. ۵). در بندهش، عمر جهان نه هزار سال است که شامل سه دوره مینویی، آمیختگی و اتحاد است (دادگی، ۱۳۶۹، صص. ۳۳-۳۵). در روایات عهد عتیق دو مظهر خیر و شر یعنی هابیل و قابیل از آدم زاده می‌شود.

اسطوره آفرینش این غول خدایان با اسطوره قربانی شدن اولین مخلوق پیوند خورده است (بهار، ۱۳۸۶، صص. ۳۹۶-۳۹۸). از جمله داستان‌های با تضاد عملی خیر و شر، داستان کیومرث و اهریمن، گاو برمایه و ضحاک، جمشید و ضحاک، اغریث و افراسیاب و سیاوش و افراسیاب، مابانی اساطیری قربانی شدن اولین آفرینش است (پورداوود، ۱۳۵۷، ج. ۱/صص. ۳۹۲-۴۲۰).

۱-۲-۲. جایگاه اساطیری آرش در نبرد با خشک‌سالی

داستان تیراندازی آرش در گذشته‌های دور، از چنان روایی و شهرتی برخوردار بوده که در تیریش، مشابه تمثیلی برای حرکت ستاره تیشتر قرار گرفته است. تیریش که در ستایش تیشتر یا تیشتر، ایزد و ستاره باران است، داستان مفصل نبرد این ایزد را با دیو اپوش - که دیو خشکی به‌شمار می‌رود - نقل می‌کند. در این یشت حرکت تیشتر به سوی فراخ کرت، برای برگرفتن آب و باریدن آن بر زمین است تا زمین سرسبز شود (تیریش). آزمون آرش در پرتاب تیر نیز زمانی است که افراسیاب، دیو خشکی و بی‌آبی، بر ایران چیره شده است و پرتاب تیر برای تعیین مرز، می‌تواند نمادی باشد از کوشش برای پایان دادن به خشک‌سالی و آغاز بارندگی و درپی آن سرسبزی باشد.

۱-۲-۳. جایگاه اساطیری افراسیاب در تجسم دیو خشک‌سالی

افراسیاب در اسطوره به تصریح کتاب سوم دینکرد موجودی نیمه دیو - نیمه انسان است (فضیلت، ۱۳۸۱، ص. ۲۰۷). این شاه - پهلوان نامدار توران با حضوری طولانی در داستان‌های ملی ایران نبردهای بسیاری را با ایرانیان، به‌ویژه رستم در کارنامه خود دارد و سرانجام به دست کیخسرو کشته می‌شود (پورداوود، ۱۳۵۷، ص. ۲۱۱). در آغاز دینکرد هفتم از افراسیاب بانام «خشکاننده ایران‌شهر، یاد می‌شود و گفته می‌شود که پس

هم حضوری آیین و نمایش در مراسم تیرماسیزه شو در مازندران... هامون مهدوی و همکار

از گریز او از ایران رودها جاری می‌گردد» (بهار، ۱۳۸۶، ص. ۲۰۸). در بندهشن آمده است که افراسیاب «باران از ایرانشهر بازداشت» (دادگی، ۱۳۶۹، ص. ۱۳۹). در بندهشن هندی نیز می‌خوانیم که «او در دریای کیانسه هزارچشمه را، بزرگ و کوچک و به بلندی اسب و به بلندی شتر به بلندی گاو و به بلندی خر پایمال کرد» (بهزادی، ۱۳۶۸، ص. ۱۰). در متنی‌هایی چون *گزیده‌های زادسپرم و مینوی خرد* (تفضلی، ۱۳۷۹، ص. ۷). نیز می‌توان مواردی از این دست را دید.

۳-۱-۶. کنش پیشه‌وری یا باروری در جشن تیرگان یا تیرماسیزه شو مراسم «لال

شیش»

فرضیه قابل توجه در این زمینه این است که مراسم ویژه‌ای در بین مردم مازندران وجود دارد که همچنان به‌عنوان یک آیین فولکلور و نمادین در شب تیرماه سیزه برگزار می‌شود و آن مراسم «لال شیش» است. این مراسم به این صورت انجام می‌شود که «کسی لباس مبدل می‌کند، دستمال می‌بندد، صورتش را سیاه می‌کند و حرف نمی‌زند». این شخص لال و لال مار (در کوچک‌سرای قائم‌شهر)، لال شیش (در بابل و داراب کالا) و لال شوش (در تنکابن) نام دارد و چند نفر او را همراهی می‌کنند. وارد خانه‌ها می‌شود و با چوبی که در دست دارد به اهالی می‌زند که به آن شیش می‌گویند. «او (لال) مخصوصاً به سراغ زنان نازا، حیوانات نازا، دختران مجرد و درختان بی‌ثمر می‌رود. و با چوب به آن‌ها ضربه می‌زند. یکی از افراد حاضر مداخله می‌کند و تضمین می‌کند که مثلاً به این زن یا آن درخت یا آن دختر ضربه نزنند، من تضمین می‌کنم که باردار شود، میوه بدهد و به خانه شوهرش برود» (کارنوی، ۱۳۴۱، صص. ۱۱۰-۱۱۱).

جدول ۲: کنش‌های سه‌گانه دومیلی آیین تیرماسیزه

Table 2: Trifunctional of Georges Dumézil 'Tir-ma-size show' ceremony

کنش باوروی	کنش ساحشوری	کنش شهریاری (ایزد)	کنش‌ها آیین مازندران
لال شیش «لال شیش» را می‌توان تداوم حیات آرش به شکل نمادی گیاهی دانست که هستی و باززایی و حیات را برای مردم به ارمغان می‌آورد.	جدال عملی خیر و شر خوش کاری آرش در بیرون راندن افراسیاب از ایران، گرجه نمایشگر مبارزه با دیو خشک‌سالی است. همچنین تجلی نبرد با دیو دشمن ایزدان نباتی و گیاهان نیز هست.	تجسم آرش به‌عنوان ایزدی نباتی	شو تیرماسیزه
افراسیاب تجسم خشکی و بی‌آبی	نبرد با خشک‌سالی اسطوره آرش،	طلوع ستاره تیشتر (ایزد باران)	
آرش به شکل نمادی گیاهی و هستی و باززایی و حیات	افراسیاب، تجسم دیو	ایزد ریبهوین، سرور گرمای نیمروز و ماهای تابستان	

(مأخذ: نگارندگان)

اعتقاد به کارکردهای لال شیش در زندگی مردم مازندران بسیار مهم بوده است. با ویژگی‌هایی که برای «لال شیش» ذکر شد، با توجه به این‌که این ترکه (شیش) چوبی و نماد گیاهی است، می‌توان چنین فرض کرد که لال شیش نیز مانند ریبهوین تجسم یک خدای گیاهی است که مسئول حفاظت از گیاهان و محصولات کشاورزی است.

۷. نتیجه

ترامتنی در آیین تیرماسیزه شو از دیدگاه روابط بینامتنی با هم‌حضور متون نمایشی - آیینی و در راستای روابط بیش‌متنی تحت تأثیرپذیری این آیین از اساطیر گذشته قابل توجه است. بیشترین روابط بینامتنی صریح حول شخصیت محوری لال شیش و اعمال نمایشی این آیین توسط او و همراهانش است و روابط بینامتنی ضمنی مرتبط با طلب روزی، باران‌خواهی و باروری است. براساس روابط بیش‌متنی، و پیشینه اساطیری آیین نمایشی تیرماسیزه شو، می‌توان اساطیر تیشتر و آرش را پیش‌متنی برای

هم حضوری آیین و نمایش در مراسم تیرماسیزه شو در مازندران... هامون مهدوی و همکار

اجرای این آیین مفروض شد. جهت شناخت بُن‌مایه‌های اساطیری تیرماسیزه شو در پژوهش پیش رو از دیدگاه اسطوره‌سنجی دومیل بهره برده شده است. در نظر دومیل کُنش اول به‌عنوان شهریاری و کُنش دوم برابر با سلحشوری و کُنش سوم درمورد پیشه‌وری است که بیشتر مورد توجه دومیل بوده و کُنشی است که دامنه‌های بسیاری را دربر می‌گیرد. عناصر مشترک و ارتباط جزئی که این کُنش‌ها با یکدیگر دارند باعث پیوند میان آن‌ها شده است. آثار ادبی و هنری، همچنین حکمی و سیاسی که جامعه بشری را به خود اختصاص می‌دهند با این نظریه مورد مطالعه قرار می‌گیرند. با این حال جوامعی که تفکری به گذشته خود داشته باشند، می‌توانند با این رویکرد تحلیل شوند و هر چقدر این جوامع اصالت خویش را بیشتر حفظ کرده باشند بیشتر مورد نظر این مطالعات خواهند بود. تلاقی روز تیر با ماه تیر، دریافت نخستین از چیستی این جشن است. سه کُنش نامبرده دومیلی در آیین تیرماسیزه شو عبارت‌اند از:

- **کُنش شهریاری:** تجسم آرش به‌عنوان ایزدی نباتی، طلوع ستاره تیشتر (ایزد باران)، ایزد ریهوین، سرور گرمای نیمروز و ماه‌های تابستان.
- **کُنش سلحشوری:** تضاد خیر و شر، خویشکاری آرش در بیرون راندن افراسیاب از ایران، نشان از مبارزه با دیو خشک‌سالی دارد. همچنین جلوه‌ای از نبرد با دیو، دشمن خدایان نباتی و گیاهان است. آرش افسانه مبارزه با خشک‌سالی و افراسیاب مظهر دیو خشک‌سالی است.
- **کُنش باروری:** «لال شیش» را می‌توان ادامه زندگی آرش در قالب نمادی گیاهی دانست که هستی، زاد و ولد و حیات را برای مردم به ارمغان می‌آورد. افراسیاب تجسم دیو خشکی و بی‌آبی، آرش به‌شکل نمادی گیاهی و هستی و بازایی و حیات است.

پی‌نوشت‌ها

1. Tir-ma-sizah-shu
2. Ludwig Wittgenstein
3. Lale Shish
4. Lale Shu
5. Routledge Dictionary
6. Bronistaw Malinowski

منابع

- اسماعیل پور، ا. (۱۳۸۱). تیرما سیزه (جشن تیرگان) و اسطوره تیشتر. پژوهش‌نامه انسان‌شناسی، ۱، ۷۷-۹۹.
- آدامز، ل.، یتس، و. (۱۹۹۷). گروتسک در هنر و ادبیات. ترجمه آ. راستی (۱۳۹۰). تهران: قطره.
- آذر، ا. (۱۳۹۵). تحلیلی بر نظریه‌های بینامتنیت ژنتی. پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، ۲۴، ۱۱-۳۱.
- آلن، گ. (۲۰۰۰). بینامتنیت. ترجمه پ. یزدانجو (۱۳۸۵). ویراست دوم. تهران: نشر مرکز.
- بهار، م. (۱۳۸۶). از اسطوره تا تاریخ. تهران: چشمه.
- بهزادی، ر. (۱۳۶۸). بندهشن هندی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- بیرونی، ا. (۱۳۶۳). آثار الباقیه. ترجمه ا. داناسرشت (۱۳۸۶). تهران: امیرکبیر.
- پورداود، ا. (۱۳۵۷). سینا، گات‌ها. ج ۲. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پیوستی، پ. (۱۳۹۵). جایگاه چهره‌پردازی در آفرینش شخصیت و پردازش کنش نمایشی با تأکید بر اجرای نمایش فاوست حمیدرضا نعیمی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد کارگردانی نمایش، دانشگاه هنر تهران.
- تامسن، ف. (۱۹۷۹). گروتسک. ترجمه ف. طاهری (۱۳۹۰). تهران: نشر مرکز.
- تفضلی، ا. (۱۳۷۹). مینوی خرد. به کوشش ژ. آموزگار. ویرایش ۳. تهران: توس.
- تقی‌زاده، ح. (۱۳۴۱). جشن‌های ایرانی که مسیحیان آن‌ها را پذیرفته و یهودیان طرد کرده‌اند. بیست مقاله تقی‌زاده. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب: ۳۴۸-۳۱۵.

هم حضوری آیین و نمایش در مراسم تیرماسیزه شو در مازندران... _____ هامون مهدوی و همکار

- حبیبی تبار، م. (۱۳۸۹). *درآمدی بر شخصیت‌شناسی*. قم: برگ فردوس.
- داد، س. (۱۳۸۳). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. ویرایش جدید. تهران: مروارید.
- دادگی، ف. (۱۳۶۹). *بندهشن*. گزارنده م. بهار. تهران: توس.
- دامود، ا. (۱۳۹۲). *اصول کارگردانی تئاتر*. تهران: کتاب ماد.
- رجبی، پ. (۱۳۷۵). *جشن‌های ایرانی*. تهران: آرتامیس.
- رضی، ه. (۱۳۸۲). *جشن‌های آب*. تهران: بهجت.
- سبزیان، س. و کزازی، ج. (۱۳۸۸). *فرهنگ نظریه و نقد ادبی: واژگان ادبیات و حوزه‌های وابسته انگلیسی - فارسی*. تهران: مروارید.
- ستاری، ج. (۱۳۸۰). *اسطوره و حماسه در اندیشه ژرژ دومزیل*. تهران: نشر مرکز.
- ستاری، ر. (۱۳۸۷). *ارتباط جشن تیرماسیزه شو با برخی اسطوره‌های کهن*. *مطالعات علمی*، ۲، ۱۶۱-۱۷۲.
- علامه، ص. (۱۳۳۸). *یادگار فرهنگ آمل*. تهران: تابان.
- غفوری غروی، ل. (۱۳۹۰). *اسطوره و ادبیات؛ مقاله تحت عنوان «ظهور اسطوره‌های یونان باستان در نمایشنامه‌های نیمه اول قرن بیست فرانسه»*. تهران: سمت.
- فراهانی برزآبادی، م. (۱۳۸۹). *جشن‌های تیرگان - آب پاشان - اول تابستان از آغاز تا امروز*. تهران: اوستافراهانی.
- فضیلت، ف. (۱۳۸۱). *کتاب سوم دینکرد*. تهران: فرهنگ دهخدا.
- کارنوی، ا. (۱۹۱۷). *اساطیر ایران*. ترجمه ا. طباطبایی (۱۳۸۳). تبریز: اپیکور.
- کیا، ص. (۱۳۲۷). *واژه‌نامه طبری*. تهران: دانشگاه تهران.
- گشتاسب، ف.، مزدپور، ک.، و گلزار مشکی، ش. (۱۳۹۴). *تأثیر کنش‌های سه‌گانه ایران باستان بر رموز آیین تشرف عیاران*. *مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ*، ۲۳(۶)، ۶۷-۸۶.

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه _____ سال ۱۰، شماره ۴۸، بهمن و اسفند ۱۴۰۱

مجیدزاده، م. (۱۳۸۵). آیین‌های باستانی و یادی از آیین‌های شکوهمند ایران باستان در دیار تبرستان. ساری: انتشارات پژوهش‌های فرهنگی.

مسکوب، ش. (۱۳۷۵). سوگ سیاوش. در مرگ و رستاخیز. تهران: خوارزمی.
مشکات، م. (۱۳۹۳). بررسی عناصر گروتسک در اجرا با تأکید بر آثار مارتین مک دونا و نمایش «مرد بالشی» به کارگردانی جان کراولی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد کارگردانی نمایش، دانشگاه هنر.

معافی مدنی، س. (۱۳۹۰). بررسی نشانه‌ای افسانه‌های مازندران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد ادبیات فارسی. پیام نور.

مکاریک، ا. ر. (۱۹۹۳). دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر. ترجمه م. مهاجر و م. نبوی (۱۳۸۴). تهران: آگه.

موسوی، س. (۱۳۹۱). تحلیل نمایش آیینی لال در مازندران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده هنر و ادیان.

میرشکرای، م. (۱۳۷۸). مهر و داغ بر خرمن و دام: پژوهش مردم‌شناختی. تهران: سازمان میراث فرهنگی.

نادری، ع.، و نادری، س. (۱۳۹۷). کاربرد نظریه «ترامنتیت» ژنت در کشف و واکاوی تأثیرپذیری کوش‌نامه از شاهنامه. متن‌شناسی ادب فارسی، ۳۷، ۱۶۹-۱۸۷.

نامور مطلق، ب. (۱۳۹۲). درآملی بر اسطوره‌شناسی. تهران: سخن.
نامور مطلق، ب. (۱۳۹۵). درآملی بر بینامتنیت. تهران: سخن.

نامور مطلق، ب. (۱۳۸۶). ترامنتیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها. پژوهشنامه علوم انسانی، ۵۶، ۸۳-۹۸.

نورافکن روحی، ن. (۱۳۹۸). تیرماه سیزده. دانشنامه فرهنگ مردم ایران. ج ۳. تهران: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

هم حضوری آیین و نمایش در مراسم تیرماسیزه شو در مازندران... هامون مهدوی و همکار

هاج، ف. (۲۰۰۹). کارگردانی نمایشنامه: تحلیل ارتباط‌شناسی و سبک. ترجمه م. ابراهیمی و

ع.ا. علیزاده (۱۳۹۲). تهران: سمت.

هویان، آ. (۱۳۸۴). جشن تیرگان یا آب‌پاشان. مطالعات ملی، ۶ (۲۲)، ۳۰-۳۵.

References

- Adams, J., & Yates, W. (1997). *The Grotesque in art and literature* (translated into Farsi of Atoosa Rasti). Ghatreh
- Allameh, S. (1959). *Memory of Amol culture*. Taban Publishing.
- Allen, G. (2000). *Intertextuality* (translated into Farsi of Payam Yazdanjoo). Markaz.
- Azar, A. (2015). An analysis of Genett's intertextuality theories. *Researches of Literary Criticism and Stylistics*, 24, 11-31.
- Bahar, M. (2007). *From myth to history*. Cheshme.
- Bakhtin, M., & Volosinov, V. N. (1986). *Marxism and the philosophy of language. EL and of Matejka R. Tytvyk* (translation.). Publication of Harvard University.
- Baldick, C. (1992). *The concise Oxford dictionary of literary terms*. Oxford University Press
- Barthes, B. (1977). *The death of the author, in image-music-text* (translated into English by Richard Haword). Hill and Wang.
- Barthes, R. (1984) *bruissement du langage*. Seuil
- Behzadi, R. (1989). *Bandheshan Hindi*. Institute of Cultural Studies and Research.
- Biruni, A. (1984). *Asar-Al-Baghiyeh* (translated into Farsi by Akbar Danasresht). Amir Kabir.
- Carnoy, A. (1917). *Iranian mythology* (translated into Farsi by Ahmad Tabatabai). Epicor.
- Chiciudean, G., Chira, R., & Ivancu, E. (2018). *Myth, music and ritual: approaches to comparative literature*. Cambridge Scholars Publishing.
- Childs, P., & Fowler, R. (2006). *The Routledge dictionary of literary terms*. Routledge
- Daad, S. (2004). *Dictionary of literary terms*. Morvarid Publications.
- Dadegi, F. (1990). *Bundahishn by Mehrdad Bahar*. Toos.
- Damoud, A. (2013). *Theater directing principles*. Maad Book Publications.

- Dumézil, G. (1974). *Gods of the ancient Northmen*. University of California Press.
- Dumézil, G. (1980). *Camillus: a study of Indo-european religion as roman history*. University of California Press.
- Farahani Borzabadi, M. (2010). *Tirgan-Ab-Pashan, first summer celebrations from the beginning to today*. Avesta Farahani Publications.
- Fazilat, F. (2002). *The third book of Dēnkard*. Farhang Dehkhoda.
- Frazer, J. G. (2012). *The golden bough*. Cambridge University Press.
- Genette, G. (1982). *Palimpsestes: La littérature au second degré*. Seuil.
- Ghafouri Gharavi, L. (2011). *Mythology and literature; the article titled "emergence of ancient Greek myths in French plays of the first half of the 20th Century"*. Samt.
- Ghostasab, F., Mazdapour, K., & Golzar Meshki, Sh. (2014). The influence of ancient Iran's trifunctional on the rituals of Tashroff Ayaran. *Cultural History Studies; Journal of the Iranian History Association*, 6(23), 86-67.
- Habibi Tabar, M. (2010). *An introduction to personality*. Ferdous Leaf Publications.
- Hodge, F. (2009). *Play directing: analysis, communication, and style* (translated into Farsi by Mansour Ebrahimi and Ali Akbar Alizadeh). Samt Publications.
- Hoyan, A. (2005). Tirgan or water splash festival. *National Studies Quarterly*, 6(22), 30-35.
- Ismailpour, A. (2002). Tire-ma size (Tirgan Festival) and the legend of Tishtar. *Research Journal of Anthropology*, 1, 77-99.
- Kia, S. (1948). *Dictionary of Tabari*. University of Tehran.
- Kristeva, J. (1969). *Semeiotike, recherches pour une semanalyse*. Seuil.
- Kristeva, J. (1973). "The ruin of a poetics "in Russian formalism" in Stephen Bann & John E. Bowlt (Eds.). *A collection of articles texts in translation*. Edinburg: Scottish Academic Press. Pp. 101- 102. London, Fontana.
- Maafi Madani, S. (2011). *A semiotic analysis of Mazandaran legends*. Master's thesis in Persian literature. Payame Noor University.
- Majidzadeh, M. (2006). *Ancient rituals and memories of the glorious rituals of ancient Iran in Tabaristan*. Cultural Research Publications.
- Makaryk, I. R.. (1993). *Encyclopedia of contemporary literary theory* (translated into Farsi by Mehran Mohajer and Mohammad Nabawi). Agah.

- Mashkat, M. (2013). *Studying the grotesque elements of the performance regarding to Martin McDonough's plays and "Pillowman" directed by John Crowley*, Master's thesis in theater direction, University of Arts.
- Maskub, Sh. (1996.) *Mourning Siavash in the resurrection death*. Kharazmi.
- Mirshokrai, M. (1999). *Mohr and Dagh on threshing and livestock: an anthropological research*. Publications of the Cultural Heritage Organization.
- Mousavi, S. (2011). *Analysis of Laal ritual performance in Mazandaran*. Master thesis at Isfahan Art University, Faculty of Arts and Religions.
- Naderi, A., & Naderi, S. (2017). The application of Genette's "Tratextuality" theory in discovering and analyzing the influence of Kushnameh from Shahnameh. *Persian Literature Textology Quarterly*, 37, 169-187.
- Namvar Motlagh, B. (2007). Transtextuality is the study of the relationships of a text with other texts. *Journal of Human Sciences*, 56, 83-98.
- Namvar Motlagh, B. (2012). *An introduction to mythology*. Sokhan.
- Namvar Motlagh, B. (2015). *An introduction to intertextuality*. Sokhan.
- Noorafkan Roohi, N. (2018). *Tire-ma-size sho*, December 30, 2018, Encyclopaedia of Iranian People's Culture - Islamic Encyclopaedia. (<https://www.cgie.org.ir/fa/article/240419>)
- Peivasti, P. (2015). *The place of face painting in the creation of character and the processing of theatrical action with an emphasis on the performance of Goethe's Faust*. Master's thesis in theater directing, Tehran University of Arts.
- Poordavood, A. (1978). *Yesna, Gathas*. Tehran University.
- Raazi, H. (2003). *Water festivals*. Behjat.
- Rajabi, P. (1996). *Iranian celebrations*. Artemis Publications.
- Sabzian, S., & Kazazi, J. (2008) *Dictionary of theory and literary criticism: vocabulary of literature and English-Persian related fields*. Pearl.
- Sattari, J. (2001). *Myth and epic in the thought of Georges Dumzil*. Markaz Publications.
- Sattari, R. (2008). The connection of "Tir-ma-size sho" festival with some ancient myths. *Scientific Studies Quarterly*, 2, 161-172.
- Saussure, F.de. (1974). *Course in general linguistics* (translated into English by Wade Baskin). OUP.
- Tafzoli, A. (2000). *Minooye Kherad* (edited by Zhaleh Amoozgar). Toos.

- Taghizadeh, H. (1962). *Persian festivals that Christians accepted and Jews rejected. Twenty articles by Taghizadeh*. Book Translation and Publishing Company, 315-348.
- Thomson, P. (1972). *The grotesque* (translated into Farsi by Farzaneh Taheri. Markaz
- Wittgenstein, L., Da Col, G., & Palmié, S. (2020). *The mythology in our language: remarks on Frazer's golden bough*. HAU Press.

